

تجربه دهه ۸۰ کلید تغییرات کابینه پوتین

صفحه ۸

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان
۱۶ صفحه
۱۰۰۰۰ تومان

فرهنگستان

شماره مسلسل ۲۸۷۷
پخشیه ۲۷ دیهشت ۱۴۰۲
۷۰ دقیقه
۲۰۲۴
۲۱۳

www.fdr.ir | Thu | 16 May 2024 | vol.15 | No. 4139

منصور ضابطیان، نویسنده و سفرنامه نویسی:

بخشی از نسل جدید سواد تاریخی و خواندن ندارد



۱۳ و ۱۲



مجلس تعطیلی شنبه را مصوب کرد ولی هنوز موافقان و مخالفان توانسته اند به ابهامات زیادی که درباره تعطیلی آخر هفته مطرح شده، پاسخ دهند

تعطیلات بدون تحقیقات

محمد بهادری جهرمی، عضو پژوهشکده شورای نگهبان: تعطیلات رسمی در کشور ما زیاد است

۵۸ درصد خودروهای برقی جهان طی سال ۲۰۲۳ در چین ساخته شده

چین فاتح جنگ جهانی خودروهای برقی

۱۶

ماجرای اخیر الناز شاکردوست و دستکاری دوباره در شبکه های اجتماعی

سایبری ها مشغول کارند

۱۲

۷ مدیر روابط عمومی دانشگاه آزاد به «فرهنگستان» پاسخ دادند

راهکارهای تقویت شبکه ارتباطی دانشگاه

۵،۱۴

آیا فناوری بندگی ممکن است؟

روزنه گشایی با نگاه فلسفی به تکنولوژی

محمدرضا بابایی خبرنگار

«آوردن فن» از خصلت های بشر در سرتاسر تاریخ است. «فناوری» اما خصلتی به ظهور آمده در بشر جدید است. فناوری در دوران جدید، نه تنها مؤثر بر حیات انسان جدید، بلکه از مقومات اصلی جهان جدید است.

علم ریتنا بر عمل مقدم است و در فرآیند خلق فنون، جریان دانش تا به حال پیشگام بر فن و پیشبران فن بوده اما در عصر پیش رو چندان نامعقول نمی نماید اگر فناوری بر دانش پیشی بگیرد و خود پیشران دانش، بلکه بی نیازکننده بشر از جریان دانش باشد. جهان سنت، جهان پروا احکام «ماده» بود و جهان تجدد، جهان ظهور احکام «صورت» است. مثل اعلای صورت را می توان در فناوری امروزین، خصوصا در فضای سایبر به تماشا نشست. گویی تمام آنچه را که جهان تجدد و صورت با خود حمل می کند، فناوری در خود نشان داده است و در پیشروی تا به انتهای چنین جاده ای، پیش تر از همه، به مشابه رهدار ایستاده است. فن را اگر فی المثل «کار با ابزار برای مهار متغیرات موجود در بافتار» بدانیم، آنگاه نقش «ابزار» و «مهار» را در تکوین فن برجسته دیده ایم و از آنجا که ابزار را عم از سخت افزار و نرم افزار دانسته اند، ناچاریم غیر از ماشین ها و هوش مصنوعی ها، اقتصاد، مدیریت، رسانه، خدمات اجتماعی و حتی بخشی از دانش و حتی تفکر و حتی معنویت را نیز از جنس فناوری به حساب آوریم. پس صحبت از فن در جهان مدرن، صحبت از تمامی عرصه هاست.

فناوری از آن وقت که خود را بازیگر اصلی صحنه تجدد ساخته، سؤالی اساسی را پیوسته در ذهن آدمی نگاه داشته است: فناوری ما را خوشبخت تر کرده یا اسباب گرفتاری بیشتر بوده است؟!

پاسخ ها بر دو طیف کلی اند: مثبت نگر و منفی نگر

مثبت نگران به فناوری، همچون مهندسان و مخترعان و مدیران، در حقیقت دل به پیشرفت و «توسعه» بسته اند؛ و منفی نگران به آن، همچون دینداران و هنرمندان و فیلسوفان، درحقیقت درد خودا گاهی و «معنای زندگی» داشته اند. گویی که تفاوت ها در اثبات و نفی، بسته به ادراک از بنیاد های زیستن بوده است. به بیانی دیگر فناوری به سازماندهی می پردازد و این وسط آنچه قربانی می شود، «زندگی» است. سازماندهی یا چهارچوب یا ساختار، ملازم پرداخت، کنترل و تنظیم است؛ حال آنکه زندگی یا طراوت یا متانت، ملازم با دریافت، غافلگیری و تسلیم است. حسب یک فهم عمومی، تکنولوژی تا اینجا مزایا و معایبی روشن داشته است: بهداشت و نجات بیشتر جان انسان ها، راحتی بیشتر در ارتباطات، تنوع در خوراک و پوشاک، از جمله مزایای روشن آن بوده؛ و در مقابل آسیب زدن به طبیعت، آسانی کشت و کشتار و کاهش خودا گاهی و درک معنای زندگی، از جمله معایب آن بوده است. این یک فهم عمومی است که گرچه غلط نیست، از نظرگاه دیگری، متهم به کم عمقی و سادگی است. گویی فناوری، ابعاد و جوانبی بسیار پیچیده تر دارد و با لطایفی زندانه تر، به نفوذ در زندگی و تغییر در خلق و خوی آدمی مبادرت کرده است. ما در این متن برآنیم تا به قدر خود، این پیچیدگی ها و دقائق را بکاویم و اگر مجال باشد، لطایف و زندی های در پستو مانده را آشکار کنیم.

فن و نسبت آن با انسان و جهان

فناوری آینه ای است که در خود، هم از درون آدم حکایت دارد، هم از ششون عالم، فن کلمه ای از کلمات وجود است که - چه نوانی چه ظلمانی - بر زبان آدم به نمود برآمده است. آدم خود لسان اعظم عالم است که خصائص وجود را بر صفحه جان نشانده و در پهنه جهان به عرصه ظهور کشانده است. فن نمودار آن وجه از آدمیت است که

از سر ناپسندگی، دست به خلق و مهار ابزار می زند تا به مقصود خود خواسته نائل آید. حاجتمندی، دانش، تخیل، خلاقیت، وساطت، تسلط و عاملیت، از جمله خصائص بنی آدمند که در آینه فن به ظهور آمده اند. فناوری عصر نو اما مضاف بر اینها، خصائصی دیگر نیز با خود به ظهور درمی آورد و وجوهی غریب را در زنجیره ملازمات خود آشکار می سازد. تقلیل کیفیت به کمیت، احساس سلطه و چیرگی، احساس خود بسندگی، اعتماد به دانش و تدبیر آدمی و اعتقاد به تغییر و تصرف در نظام طبیعی، از دیگر خصائصند که با فناوری های عصر نو به ظهور درآمده اند. ابزار طبعاً درصدد تصرف و تغییر در اشیاء و امور است و مقصود از خلق ابزار جز این نبوده است.

اما این تصرف و تغییر، دو جهت و دو تقریر می تواند داشته باشد؛ در نسبت با هستی و طبیعت، یک تقریر در همراهی و الفت است و تقریر دیگر در تسلط و صولت. همراهی، طعم پرزنگ سلم و رحمت دارد و تسلط، طعم پرزنگ تنگ و خشونت. به جان نشستن معنای بودن، در گرو تقریر نخستین است و برآمدن توسعه، در گرو تعبیر واپسین. شاعران، دین مداران و حکیمان را در نسبت با فن شوق همراهی با طبیعت است. اما همراهی با طبیعت به چیست؟ به «مراعات حال طبیعت» است یا به «امداد به کمال طبیعت» یا به تطابق با «اقتضای ماهیت اشیاء» است یا به «ظهور دادن ظرفیت اشیاء»؟

در نظر ما، کمال همراهی، نه با طبیعت که با تمامی عالم است و در نهایت به همراه شدن با آن غایتی است که طبیعت به سوی او در پیش است؛ و در باطن خود، با او هم کسان و همکیش است. طبعاً آنچه غایت عالم است، کمال و غایت آدم نیز هست. بدین حساب، همراهی با طبیعت به همراهی با عالم ارتقا می یابد و همراهی با عالم به همراهی با آدم انتها می یابد. در مجموع فناوری در عالم هست، اما نماینده ای از شئون آدم و عالم است آنچنان که هستند؛ و در عالم بایدا کشاننده ای به شئون آدم و عالم است آنچنان که باید باشند.

سرشت فناوری در گرو «عالم فناوری»

مفاهیمی چون ذات و سرشت، در طبیعت خود ابهام بسیار دارند و چون به اموری که سیال و متغیرند و حد و مرز مشخصی ندارند می رسند و بالاخص درباره اموری که دست ساخته و ذهن پرداخته آدمی اند طرح می شوند، بر ابهام و اجمال خود می افزایند. حال آیا می توان از خصوصیات واقعی و مشترک میان تمامی مصادیق فن و فناوری، یعنی از حقایقی به مثابه ذاتیات سخنی داشت و آیا می توان از بنیادها و بواطن فن و فناوری پرده برداشت؟ در نظر ما، هر آنچه اثر و خصوصیت دارد- باقی باشد یا نائل- واقعیت دارد، همانقدر که اثر و خصوصیت دارد. و هر آنچه تناسب و انتظام دارد- ثابت باشد یا متغیر- طبیعت و ذات دارد همانقدر که تناسب و انتظام دارد. ذات اما برخلاف آنچه از لفظ آن به نظر می آید، امری مستقل و خودسند نیست. نه تنها عوارض و اعراض که جوهر و ذات نیز در نسبت با دیگر اشیاء و امور تقریر می یابد؛ و بدون اجزا و ابعاد دورنی و آفاق و مناسبات بیرونی هیچ به تحقق بر نمی آید.

به عنوان یک قاعده، «ذات هر شیء در گرو «عالمی» است که شیء در «افق» آن موجود شده است.» و بر این اساس «هویت هر شیء» در بند هویت اشیایی است که شیء به آنها مربوط شده است.»

حسب قاعده، سرشت فناوری نیز در گرو «عالم فناوری» است. پس خصائص هر فن تابع از خصوصیات افق و عالمی است که در او واقع است و در بسیاری صفات با هم جهانیان خود مشارک است. گرچه شدت پیوستگی با پیرامون، حسب فرد فرد صنایع و فنون، مختلف و متفاوت است. شرح خصوصیت فن و فناوری، هم به وجه جزئیت و فرد فرد اوست و هم به وجه کلیت و روح و واحد او. وجه کلیت، هم در درون خود، اجزا و عناصری دارد و هم در بیرون، اطراف و جوانبی. در این میان مهم آن است که فهم درست از وجه جزئیت، وابسته به فهم ما از وجه کلیت است.

مجاری تاثیر ارزشی - فرهنگی فناوری

وقتی ادعا بر آن است که فن و فناوری با خود ارزش هایی به بار می آورند و خواهی نخواهی در خلق رخو و باورهای انسان اثر می نهند، باید دید که این تاثیرها از کدام نواحی فرامی رسند و از کدام مجاری به درون فکر و اخلاق آدمیان رخنه می کنند؟ آن مجاری را (که تاثیر فن و فناوری، از ناحیه آنها به حیات فکری - فرهنگی آدمیان سرازیر می شوند) می توان در چند مجرا به تماشا نشست.

مجرای تاثیر تکنولوژی

گاهی در «اهداف اصلی» ای است که برای استفاده از یک محصول وجود دارند؛ که نمونه آن در رادیو و تلویزیون در مقابل شبکه های اجتماعی است که یکی جهت ارتباط یک سویه و دیگری، جهت ارتباط دوسویه و چندسویه است. محرز است که ارتباط دوسویه، تاثیراتی متفاوت از ارتباط یک سویه به بار می آورد. اساسا اصل وجود تعدد رسانه ها و شبکه های اجتماعی - فارغ از کیفیت محتوا- باعث ازدیاد و وفور سخندن و سنجش معرفت را مشکل می کنند و به نسبت معرفتی و اخلاقی دامن می زنند. و گاهی در «اهداف فرعی» ای است که در حاشیه وجود دارند که نمونه آن، وجود شکلک ها (ایموجی) در پیام ها و نوشته های مجازی است که برخی مفاهیم و حالات را با سرعت و رسایی بیشتری منتقل می کنند و در عین حال به مرور از میزان توانایی فرد در استخدام کلمات می کاهند. نمونه دیگر آن، در اسباب بازی های برقی و غیربرقی است که گرچه هر دو برای بازی و سرگرمی اند اما یک دسته، کودک را در حالت انفعال و دسته دیگر، کودک را در حالت فعال قرار می دهند.

و گاهی در «شیوه استفاده» ای است که یک محصول فناوریانه به دنبال می آورد که نمونه آن در غذا ساز و ماکروفر در مقابل تخته و چاقو و زنده و هیزم و آتش است؛ غذا ساز و ماکروفر باعث ایجاد حس خشونت و خستگی کمتر و البته لذت آشپزی کمتر است و نمونه دیگر آن، در استفاده از دوچرخه و خودرو و خودروی هوشمند است که در هر یک میزان توجه و همراهی با آنچه حامل انسان است متفاوت است. و گاهی در «گویایی و تبلور» ای است که یک محصول از ارزش های انسان دارد که نمونه آن در محیطی همچون ویکی پدیا است که مدعی امکان مشارکت همگانی در ارائه مطالب است؛ در مقابل فرهنگنامه ای دیگر که مدعی استفاده از مقالات برتر و علمی تر است و نمونه دیگر آن، آسمان خراش های بلندند که در اذهان نماد پیشرفت و توسعه اند در مقابل خانه های سنتی (طراحی و ساخته شده امروز) که حاوی پیام عبور از زندگی تجدد مآبانه اند. و گاهی در «شبکه ملازمات جانبی» ای است که یک محصول برای خود لازم می آورد که نمونه آن، لوازم جانبی گوشی همراه (همچون باتری و شارژر و گلس و همچنین تعمیرکاران و شرکت های خدماتی) است که موجب رواج برخی گفتمان ها و شکل گیری برخی عادات رفتاری اند. و گاهی در «اجبار به افعال خاص» ای است که یک محصول فناوریانه به دنبال می آورد که نمونه آن، بسیاری از نرم افزارها یند که موجب التزام به داشتن حساب ایمیل، و به روزرسانی های مدام و اجازه دسترسی به اطلاعات شخصی اند. این الزام ها اگر چه در ابتدا خسته کننده یا نقض کننده حریم شخصی فهم می شوند، اما به مرور انسان را به قبول و پذیرش هنجارها و قواعد زندگی مدرن، عادت می دهند. و گاهی در «معنای درون باقی» ای است که فرهنگ حول یک محصول پدید می آورد که نمونه معروف آن، آسیاب های بادی در برخی مناطق هند است که معبد باد تلقی شده اند و نمونه دیگر آن حضور تلویزیون در جامعه دینی سنتی ایران بوده است که مصداق خر دجال دانسته شده است.

خرده نظم و نظم کلان فناوری

ما با پذیرش استفاده از یک محصول فناوریانه، وارد خرده نظم می شویم که

خود موجب پذیرش نظم های کلان تر است. این پذیرش امری اجتماعی است و عمده افرادی که زندگی در انحرال را نمی خواهند یا نمی توانند، لابد از پذیرش این نظم های خرد و کلانند.

ما با پذیرش استفاده از عمده فناوری ها، وارد نظم زندگی جاری و با پذیرش آن وارد نظم سازمانی و با پذیرش آن وارد نظم سرمایه داری و با پذیرش آن، وارد نظم تجدد و با پذیرش آن، وارد نظم «جهان صورت» می شویم و از اینجاست که اغلب بر ما همان تقدیر می رود که بر هم تاریخان ما رفته است. و جالب آن است که با وارد شدن به این نظم های خرد و کلان، صرفا مخاطب و متاثر نیستیم؛ بلکه خود نیز یک خرده بازیگریم؛ و به بخشی از پیچ و مهره های این کارخانه آهنین بدل شده ایم و به قدر خود، کار آن کارخانه را استحکام و شتاب بخشیده ایم. این مطلب را می توان در ضمن نمونه هایی، فی المثل در پذیرش فرهنگ تکنوکراسی از ناحیه درگیری با تکنیک مدرن، روشن تر ساخت.

بدین بیان که، انسان از درگیری با سخت افزارها و نرم افزارهایی که زندگی او را احاطه کرده اند، وارده خرده نظم هایی ریز و درشت می شود و اینها مجموعا او را به کلان نظم زندگی مدرن می کشانند. این کلان نظم آکنده از فرهنگ تکنوکراسی است. فرهنگی که ارزش های مخصوص به خود را دارد و در تقابل بسیاری ارزش ها در فرهنگ های دیگر است.

آنکه در شرکت ها و سازمان های خصوصی کار می کند و با گوشی های هوشمند و رایانه سر و کله می زند و برای هر مشکل به متخصص تعریف شده خود همچون پزشک و روانشناس مراجعه می کند و خرید خود را از مراکز بزرگ تجاری انجام می دهد و آخر هفته ها به تفریح می رود نحوه زیستنش اقتضای آن دارد که اولاً به تکنوکراسی (تخصص گرایی) ایمان بیاورد؛ و چون ایمان آورد، مشکل بتواند ارزش های نهفته در پس این فرهنگ را انکار کند؛ و از این طریق مشکل بتواند مفاهیمی چون جنود شیطان و ولایت طاغوت و جبهه استکبار را باور داشته باشد؛ و از این رهگذر به مرور در کارآمدی دین و در قداست دین تردید روا می دارد؛ و در نهایت شاید کار به نابوری درباره خدا نیز بینجامد. نکته مهم این است که هیچ نظم کلان فرهنگی واجد مطلق بدی و زشتی نیست. هر آنچه بهره ای از جذابیت دارد بی شک قدری از کمال را در خود واجد است و در خلال قیل و قال های ناتمام بی شک توجیهاتی اقتضای کنده برای موجودیت و مطلوبیت او حاضر است. آنکه خود را ناچار از پذیرش برخی مناسبات و واقعیت جاری زندگی می بیند به مرور توجیهات آنگونه زیستن را نیز قبول می کند.

این است که چون ورود به یک نظم کلان، ناآگاهانه و تدریجی باشد، خروج از آن، بسیار مشکل تر است.

حال در این میدان، «کدام منصب و کدام شغل و کدام فعالیت است که بندگی جهان صورت نباشد؟» مسأله ای است که جوابش نیاز به مذاقه بسیار و البته توفیق حضرت یار دارد.

سؤالی مهم پیش می آید و آن اینکه، با همین دانش و توان موجود در فناوری، آیا نمی توان صنعت و فن دیگری خلق نمود که در جهتی دیگر و برای مقصدی ولاتر به کار آید و بشر را از فردیت، غفلت، و بی معنایی برهاند؟!؟

اراده چنین اقدامی خود به این راحتی ها شکل نمی گیرد؛ چراکه عالم تکنولوژی ما را در شرایطی قرار می دهد که آن اراده را از ما بازمی دارد. مسیر، ریل گذاری شده و کسی که سوار بر قطار می رود، مشکل بتواند مسیر دیگری در پیش گیرد.

خصوصا که جلورفت فناوری بر امیال و نیازهای انسان استوار است. انسان به این راحتی ها از راحت طلبی دور نمی کشد و تولیدکننده، به این راحتی ها دوباره انسان ها را جایگزین ربات ها و هوش مصنوعی هانمی کند و اگر خبری در این جهات بوده سعی می کند آنها را در عرصه دیگری جبران کند.